

## نقش آموزش در توسعه کارآفرینی صنایع دستی ایران

جواد ددهجانی<sup>۱</sup>

### چکیده

این پژوهش در پی شناسایی و بررسی شیوه‌های آموزش و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی است. روش این پژوهش بر اساس ماهیت توصیفی-پیمایشی است و در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش ۲۵۰ نفر از کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری هستند که از طریق توزیع پرسشنامه، داده‌های اولیه جمع‌آوری گردید و در نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور آزمون فرضیات، از آزمون t تک‌نمونه و جهت مشخص کردن نرمال یا غیر نرمال بودن مؤلفه‌های پژوهش، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. در پایان نیز به منظور اولویت‌بندی مؤلفه‌های پژوهش، از آزمون فریدمن استفاده گردید. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین شیوه‌های مختلف آموزش و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی، ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین، آموزش از طریق تمرکز بر سرمایه‌گذاری در آموزش صنایع دستی در مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری از نظر اهمیت با میانگین رتبه ۳/۳۵ در اولویت اول قرار گرفت و آموزش از طریق تربیت مربی کارآفرینی به منظور آموزش شیوه‌های نوین با میانگین رتبه ۲/۴۷ و آموزش از طریق تبیین رشته‌های هنری مرتبط با کارآفرینی صنایع دستی در مقاطع مختلف تحصیلی با میانگین رتبه ۲/۲۵ در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند و آموزش از طریق ایجاد کارگاه‌های آموزشی مبانی کارآفرینی حوزه صنایع دستی و گردشگری زیر نظر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نیز با میانگین رتبه ۱/۹۳ از درجه اهمیت پایین‌تری برخوردار بود. بنابراین، نتایج حاکی از اهمیت تکیه بر شیوه‌های نوین آموزش کارآفرینی از طریق مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری به منظور توسعه کارآفرینی در صنایع دستی بود.

### اهداف پژوهش

- ۱- شناسایی روش‌های آموزش و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی.
- ۲- اولویت‌بندی شیوه‌های آموزش و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی با روش‌های آماری.

### سوالات پژوهش

- ۱- چه شیوه‌هایی برای آموزش و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی وجود دارد؟

<sup>۱</sup> - مربی و عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، ایران [j.dadejani@uok.ac.ir](mailto:j.dadejani@uok.ac.ir)

۲- اولویت‌بندی شیوه‌های آموزش و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی چگونه است؟

**واژگان کلیدی:** کارآفرین، کارآفرینی، شیوه‌های آموزش کارآفرینی، صنایع دستی، نرم‌افزار SPSS.

## ۱- مقدمه

بررسی‌ها نشان می‌دهد که افراد آموزش دیده در کشور ما در زمینه‌های مختلف، از توانمندی‌ها و مهارت‌های عملی و کاربردی لازم به‌منظور اشتغال در صنایع موجود در کشور برخوردار نیستند (فیروزی و سهرابی، ۱۳۹۳). این در حالی است که آموزش و تعلیم کارآفرینی بین افراد جامعه به مسئله روز کشورهای فراصنعتی تبدیل شده است. صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که فرآیند و برنامه‌های آموزشی ویژه می‌تواند با تغییر بینش و فرهنگ افراد و تجهیز آن‌ها به دانش و مهارت‌های خاص، راهی را که آن‌ها احتمالاً زمان طولانی به آن می‌رسند بسیار کوتاه نموده و به سرعت یک کارآفرین بالقوه را به یک کارآفرین بالفعل تبدیل کند (عباس‌زاده، ۱۳۹۴). یکی از بخش‌های مهم کارآفرینی که کشور ما برای توسعه آن پتانسیل بالقوه‌ای دارد صنایع دستی است. بخش صنایع دستی می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر اقتصاد ملی از طریق کسب درآمد ارز خارجی، ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی پایدار داشته باشد. از این‌رو، اغلب کشورهای در حال توسعه و همچنین توسعه‌یافته به این بخش به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم اقتصادی و فرهنگی توجه ویژه‌ای دارند (مدد، ۱۳۸۰). صنایع دستی مزیتی ارزشمند و کارآمد در مبارزه با معضلات اجتماعی و دستیابی به توسعه اقتصادی است؛ به‌ویژه در شرایطی که بیش از گذشته بالابردن سطح اشتغال، ازدیاد درآمد سرانه، ارتقای سطح تولید ملی و توسعه صادرات از نیازهای ملموس کشور است. بنابراین، هرگونه تمهیداتی در زمینه‌های آموزش شیوه‌های کارآفرینی برای توسعه محصولات صنایع دستی می‌تواند برای کشور، نویددهنده کاهش مشکل بیکاری، جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها، ایجاد و افزایش درآمد و بهبود وضعیت زندگی مردم باشد (همتی، ۱۳۹۳). فرضیات این پژوهش عبارتند از: (۱) بین آموزش از طریق ایجاد کارگاه‌های آموزشی مبانی کارآفرینی در حوزه صنایع دستی و گردشگری زیر نظر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی رابطه معناداری وجود دارد؛ (۲) بین آموزش از طریق تمرکز بر سرمایه‌گذاری در آموزش صنایع دستی در مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی رابطه معناداری وجود دارد؛ (۳) بین آموزش از طریق تربیت مربی کارآفرینی در حوزه صنایع دستی به‌منظور آموزش شیوه‌های نوین و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی رابطه معناداری وجود دارد؛ و (۴) بین آموزش از طریق تبیین رشته‌های هنری مرتبط با کارآفرینی صنایع دستی در مقاطع مختلف تحصیلی و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی رابطه معناداری وجود دارد.

عنوان مقاله: نقش آموزش در توسعه کارآفرینی صنایع دستی ایران

## ۲- پیشینه پژوهش

بهارک عزیزی و سید محمود حسینی (۱۳۸۵) مقاله‌ای مروری به نام «نقش آموزش و توسعه کار آفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی» منتشر کرده‌اند. محمدرضا امامی و معصومه سادات سعیدی (۱۳۸۵). در مقاله «نقش و اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه خوداشتغالی و کار آفرینی» به اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استان مرکزی در توسعه کارآفرینی استان مرکزی به عنوان قطب دوم صنایع مادر کشور و قطب چهارم از لحاظ کمیت صنایع پرداخته‌اند. حجت توسلی و پژمان نوروزی (۱۳۹۰) مقاله‌ای تحت عنوان «نقش آموزش در توسعه کارآفرینی» دارند که در آن ضمن تحلیل مقایسه‌ای نقش آموزش در روند کارآفرینی در کشورهای مختلف و ایران، سعی در شفاف‌سازی وضعیت کارآفرینی در محیط‌های دانشگاهی و آموزشی کشور به منظور بررسی راهکارهایی جهت بهبود وضعیت آموزش خلاقیت و کارآفرینی دانش‌محور کرده‌اند. رسول رنجبران (۱۳۹۳) هم در مقاله‌ای مروری به «نقش آموزش عالی در توسعه کارآفرینی» پرداخته است. جواد آقا محمدی و حسین عبدالهی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به نام «تحلیل نقش آموزش در توسعه و ترویج کارآفرینی» نتیجه گرفته است که کارآفرینی امری اکتسابی است که می‌تواند یاد گرفته شود و منحصراً امری ذاتی نیست، می‌توان آن را تدریس کرد و آموزش داد. بنابراین آموزش نقش مهم و خطیری در رشد و توسعه کارآفرینی بر عهده دارد.

## ۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی پیمایشی بوده و در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش ۲۵۰ نفر از کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است؛ که از طریق توزیع پرسشنامه در میان جامعه آماری داده‌های اولیه جمع‌آوری گردید و در نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور آزمون فرضیه‌ها، از آزمون t تک نمونه و جهت مشخص کردن نرمال یا غیرنرمال بودن مؤلفه‌های پژوهش از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. همچنین، در پایان نیز به منظور اولویت‌بندی مؤلفه‌های پژوهش از آزمون فریدمن استفاده شد.

## ۴- مفاهیم نظری پژوهش

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی «Entreprendre» به معنای «متعهدشدن»<sup>۲</sup> نشأت گرفته است. کارآفرینی فرآیندی است که در آن فرد کلیه فعالیت‌های کارآفرینانه را برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل می‌کند. طرفداران این دیدگاه معتقدند که بروز برخی عوامل محیطی در اتخاذ تصمیم فرد به کارآفرین شدن، تأثیر تعیین کننده‌ای دارد

<sup>۲</sup> Undertake

(Kantor, 2011:10). در تئوری‌های اقتصادی نقش کارآفرینی مورد توجه قرار گرفته است و اقتصاددانان شرایط

اقتصادی را موجب کارآفرینی می‌دانند (GEM<sup>۳</sup>, 2010). کارآفرین ارتباط‌دهنده دانش و علوم با صنعت و بازار است. در قرن شانزدهم میلادی کارآفرینی برای اولین بار مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و تاکنون به نحوی کارآفرینی را در نظریه‌های اقتصادی خود تشریح کرده‌اند (Mueller, 2002: 10). کارآفرین، نوآور و خلاق، مخاطره‌پذیر و مسئولیت‌پذیر است. او هدفگرا، واقع‌گرا و رشدگراست. کارآفرین دارای عزم و اراده، اعتماد به نفس و استقلال طلب است. قدرت تخیل، دوراندیشی، خودجوشی، بصیرت، تفکر مثبت، توانمندی در ایجاد ارتباط از دیگر ویژگی‌های کارآفرینان است. کارآفرین به چالش‌ها پاسخ مثبت می‌دهد، با مشکلات و موانع برخوردی مثبت دارد و از دانش به‌خوبی بهره می‌گیرد. او تلاش می‌کند تا دانش تولیدشده در مراکز تحقیقاتی را به دانش تولید محصول تبدیل کند و محصولی قابل رقابت به بازار ارائه دهد (احمدپور، ۱۳۹۱: ۱۰). در یک نگاه کلی می‌توان کارآفرینی را به دو گروه اساسی تقسیم کرد: کارآفرینی فردی و کارآفرینی سازمانی. اگر نوآوری و ساخت محصولی جدید یا ارائه خدماتی نو با توجه به بازار، حاصل کار فرد باشد آن را کارآفرینی فردی و اگر حاصل تلاش یک گروه در سازمانی باشد، آن را کارآفرینی سازمانی می‌نامند (Seymour, 2010: 10). جاذبه اصلی کارآفرینی چه در بُعد فردی و چه در بعد سازمانی آن بی‌حدبودن نوآوری است. کارآفرینان با ویژگی خلاقیت، براساس فرصت‌ها در زمان‌های مناسب قادرند محصولی جدید یا خدماتی نو به بازار ارائه کنند. نوآوری فرآیندی است پایان‌ناپذیر، زیرا نمی‌توان برای تولید علم حد و مرزی قائل شد. در اقتصاد مبتنی بر دانش، نوآوران و صاحبان فکر سرمایه‌های اصلی شرکت‌های تولیدی و کارآفرین هستند (یاوری، ۱۳۹۰: ۱۰).

بسیاری از کارآفرینان فعالیت خود را در قالب ایجاد شرکت‌های کوچک و متوسط شروع می‌نمایند. این شرکت‌ها سهم به‌سزایی در توسعه صنایع پیشرفته و ایجاد اشتغال داشته و نسبت به شرکت‌های بزرگ از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردارند. لذا بسیاری از دولت‌ها متقاعد شده‌اند که باید بستر رشد را برای واحدهای کوچک و متوسط در قالب مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری فراهم سازند و آنها را تا مدت‌زمانی که بتوانند به‌صورت یک شرکت مستقل وارد بازار شوند حمایت کنند. در کشور ما مراکز حمایت از کارآفرینان هنری بسیار محدود و کارآفرین با تمام مشکلات ضمن تلاش جهت تبدیل ایده به محصول باید تمام خطرات سرمایه‌گذاری را خود عهده‌دار باشد. مراکز حمایت از کارآفرینان به دلیل نداشتن پشتوانه مالی و عدم حمایت جدی از طرف نهادهای ذی‌ربط قادر نیستند پاسخگوی نیازهای مالی کارآفرینان باشند. کارآفرینان با سرمایه محدود خود و گاهی با دریافت مقداری وام وارد یک حرکت اقتصادی و صنعتی میشوند و در بسیاری از مواقع زندگی و امکانات خود را در راه توسعه صنعتی از دست می‌دهند. با تولید دانش فنی یک محصول، توسط کارآفرین، شرکت‌های تولیدی خارجی توسط عوامل خود

<sup>3</sup> Global Entrepreneurship Monitor

در کشور از این توانایی‌ها اطلاع یافته و قیمت محصول خود را چنان پائین می‌آورند که کارآفرین توان رقابت را از دست داده و در مدت کوتاهی هستی خود را از دست بدهد (نورماه، ۱۳۹۲: ۱-۲).

## ۵- صنایع دستی

در نیم‌قرن گذشته صنایع دستی به‌عنوان یکی از زمینه‌های فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی در جوامع مختلف عامل بسیار مؤثری در توسعه همه‌جانبه کشورهای در حال رشد به‌ویژه در مناطق روستایی شناخته شده است. نگاهداشت این ارزش‌ها و سنت‌های گذشته که همان احیای صنایع دستی است به‌عنوان دومین منبع درآمد جمعیت بزرگ روستاییان پس از کشاورزی به‌حساب می‌آید. صنایع دستی ایران با آثار آشنا، زیبا، دوست‌داشتنی و بعضاً دردانه خود هنری است ملی و مهم از ارزش‌های متعالی دینی که ریشه در تاریخ فرهنگ و تمدن کهن ایران دارد (یاوری، ۱۳۹۰: ۱۰). صنایع دستی مجموعه‌ای از هنر-صنعت‌هایی اطلاق می‌شود که به‌طور عمده با استفاده از مواد اولیه بومی و انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید به کمک دست و ابزار دستی ساخته می‌شود که در هر واحد از آن ذوق هنری و خلاقیت فکری صنعت‌گر سازنده به نحوی تجلی یافته و همین عامل وجه تمایز این‌گونه محصولات از مصنوعات مشابه ماشینی و کارخانه‌ای است.

## ۶- آموزش، کلیدی‌ترین نقش در توسعه کارآفرینی هنری

ماهیت صنایع دستی، میراث فرهنگی است و می‌توان صنایع دستی را جزو میراث معنوی برشمرد. ساختار اقتصادی دنیای امروز با گذشته به‌طور اساسی تفاوت دارد. شاخص‌های سخت‌افزاری و دارایی‌های مشهود که در گذشته در جایگاه یک بنگاه اقتصادی نقش تعیین‌کننده داشت، جای خود را به نوآوری، ابداع، خلق محصولات جدید و دارایی‌های نرم‌افزاری داده است.

اگر در گذشته ثروتمندترین افراد دنیا آنهایی بودند که منابع مالی بیشتری در اختیار داشتند نظیر راکفلرها، امروز ثروتمندترین مردم دنیا فردی دانش‌مدار و کارآفرین مانند بیل گیتس مدیر شرکت مایکروسافت در آمریکاست. لذا توسعه اقتصادی دنیای امروز بر پایه نوآوری و خلاقیت و استفاده از دانش استوار است. این اقتصاد را اقتصاد مبتنی بر دانش یا اقتصاد دانش‌محور می‌گویند. تولید علم و دانش، بهره‌گیری از دانش و گسترش آن در سطح جامعه در تمام زمینه‌های اجتماعی توانمندی و قدرت ایجاد می‌کند. کشورهایی که بخش فراوانی از تولید علم و دانش را به خود اختصاص داده‌اند، از نظر صنعتی توسعه یافته و از توان اقتصادی و سیاسی بالایی برخوردارند. بدیهی است تولید علم و دانش جز از راه تحقیق حاصل نمی‌شود.

رابطه سرمایه‌گذاری در امر تحقیقات و تولید علم و رابطه تولید علم با توان اقتصادی و سیاسی کشورها یک رابطه مستقیم است. به‌کارگیری دانش و مدیریت در هر جامعه زیربنای نوآوری و خلاقیت‌هاست؛ بنابراین لازمه رشد

اقتصادی در دنیای امروز، توسعه مراکز تولید دانش، فناوری و مهارت‌های فنی است که مهم‌ترین آن‌ها دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی هستند. دانشگاه‌ها و مراکز هنری به‌عنوان رکن اساسی در توسعه همه‌جانبه کشور باید از هر نظر مورد حمایت قرار گیرند و محققان و اساتید باید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشند تا با آسایش خیال قادر باشند نیروهای جوان و طالب علم کشور را اهل فکر و نظر، نوآور و خلاق پرورش دهند. در دنیای امروز بزرگ‌ترین سرمایه‌های یک بنگاه اقتصادی در زمینه هنر، نیروهای اهل فکر، یادگیرنده و خلاق آن‌ها هستند و این نیروها کسی جز کارآفرینان هنری نیستند. با توجه به سطح فرهنگی، روابط اجتماعی، نظام آموزشی هنری، نوع حمایت‌های دولتی، زیرساخت‌های اجتماعی، دسترسی به سرمایه‌های خطرپذیر، مهارت‌های کسب و کار و سطح فناوری، سطح کارآفرینی در بین کشورهای مختلف بسیار متفاوت است.

اگرچه افزایش فعالیت‌های کارآفرینی هنری باعث رونق و توسعه اقتصاد ملی هر کشور می‌شود اما این رابطه یک رابطه خطی با شیب یکسان نیست. کارآفرینی دارای سطح بالاتری بر اساس فرصت‌هاست. در کشورهای واردکننده صنایع پیشرفته، سطح کارآفرینی اغلب پائین و فعالیت‌های کارآفرینی بر اساس ضرورت‌ها شکل می‌گیرد (یاوری، ۱۳۹۰: ۱۰).

در دنیای امروز که فناوری به‌سرعت تغییر می‌یابد، کارآفرینان چه در بعد فردی یا سازمانی آموختن و پیوسته آموختن را در اولویت قرار داده و می‌دانند. امروز آن دورانی که مهارتی را در مدرسه یا بازار می‌آموختند و تا پایان عمر از آن استفاده می‌کردند، به سر آمده است و سازمان‌های توسعه‌ای و کارآفرینان یادگیری دائمی را به‌عنوان یک ویژگی در خود نهادینه کرده‌اند تا بتوانند با بهره‌گیری از دانش در هر فرصت مناسب محصولی جدید با خدماتی نو و قابل رقابت به بازار ارائه دهند. قطعاً اکنون یکی از دغدغه‌های اساسی در کشور، ایجاد اشتغال مولد برای جوانان است؛ بنابراین باید با برنامه‌ریزی دقیق، بستر لازم را فراهم کرد تا یادگیری و خلاقیت در جامعه به یک فرهنگ تبدیل شود.

## ۷- نکات مهم در روش‌های آموزشی

آموزش روش‌های کارآفرینی هنری در صنایع دستی بسیار مهم است. در این پژوهش تلاش داریم تا روش‌هایی را از منظر هنری مورد نقد قرار دهیم. می‌توان گفت مهم‌ترین نقشی که در میان این روش‌ها مشاهده می‌شود، نهادینه کردن کارآفرینی و خلاقیت در کارآفرینی است. با مطالعه این روش‌ها و نکات مهم آن متوجه خواهیم شد که آنچه موردنظر است، تقویت سطح خلاقیت و آموزش کارآفرینی از سنین پایین است. از سوی دیگر تلاش بر همگانی شدن ارائه طرح‌های مردمی نیز در میان این روش‌های آموزشی می‌تواند بسیار عمق‌بخش بوده و خلاقیت را همگانی کرده و صنایع دستی را از سطح کلاسیک و سنتی خارج کند.

## ۸- آزمون فرضیات پژوهش

در ابتدا برای اینکه مشخص کنیم که برای آزمون فرضیه‌ها، از آزمون‌های پارامتریک استفاده شود یا از آزمون‌های ناپارامتریک، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت مشخص کردن نرمال یا غیرنرمال بودن مؤلفه‌های پژوهش استفاده می‌شود. فرضیه‌های این آزمون عبارت‌اند از:

$$\begin{cases} H_0 = \text{توزیع مولفه موردنظر نرمال است} \\ H_1 = \text{توزیع مولفه موردنظر نرمال نیست} \end{cases}$$

نتایج این آزمون در جدول ۱ آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار معنی‌داری برای فرضیه‌های پژوهش بیشتر از ۵ درصد است، در نتیجه فرضیه  $H_0$  پذیرفته می‌شود. بنابراین فرض نرمال بودن توزیع پذیرفته می‌شود و برای آزمون فرضیات پژوهش از آزمون‌های پارامتریک  $t$  تک نمونه‌ای استفاده می‌شود.

جدول ۱- نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

		فرضیه اول	فرضیه دوم	فرضیه سوم	فرضیه چهارم
تعداد داده		۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰
پارامترهای نرمال	میانگین	۳/۶۹	۴/۳۱	۳/۹۳	۳/۸۵
	انحراف معیار	۰/۸۱	۰/۶۲	۰/۶۰	۰/۷۱
آماره $Z$ کولموگروف - اسمیرنوف		۰/۹۵۰	۱/۳۰۱	۱/۲۶۴	۰/۷۵۷
مقدار معنی‌داری		۰/۳۲۹	۰/۰۷۱	۰/۰۸۲	۰/۶۱۵

**فرضیه اول پژوهش:** بین آموزش از طریق ایجاد کارگاه‌های آموزشی مبانی کارآفرینی در حوزه صنایع دستی و گردشگری زیر نظر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی رابطه معناداری وجود دارد.

در ابتدا به آمار توصیفی مربوط به نظرات پاسخ‌دهندگان در مورد این فرضیه می‌پردازیم. آمار توصیفی مربوط به آموزش از طریق ایجاد کارگاه‌های آموزشی مبانی کارآفرینی حوزه صنایع دستی و گردشگری زیر نظر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲-۴- آمار توصیفی مربوط به فرضیه اول

میانگین خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه
۱۰/۰۵	۰/۸۱۰	۳/۶۹۴	آموزش از طریق ایجاد کارگاه‌های آموزشی مبانی کارآفرینی حوزه صنایع دستی و گردشگری زیر نظر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

مقدار میانگین نظرات مربوط به آموزش از طریق ایجاد کارگاه‌های آموزشی مبانی کارآفرینی حوزه صنایع دستی و گردشگری زیر نظر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری برابر با ۳/۶۹۴ است که بیانگر این مطلب است که میانگین نظرات افراد نمونه در پاسخ به آموزش از طریق ایجاد کارگاه‌های آموزشی مبانی کارآفرینی حوزه صنایع دستی و گردشگری زیر نظر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بالاتر از مقدار قراردادی ۳ (حد متوسط) است.

جدول ۳- نتایج آزمون  $t$  تک نمونه‌ای برای فرضیه اول

مقدار آزمون = ۳				
اختلاف میانگین	معنی‌داری	درجه آزادی	آماره $t$	
۰/۶۹۴	۰/۰۰۰	۲۴۹	۱۲/۲۳۰	فرضیه اول

با توجه به جدول ۳، "معنی‌داری =  $۰/۰۰۰ > ۰/۰۵$ " است و همچنین اختلاف میانگین‌ها (۰/۶۹۴) عددی مثبت است، بنابراین فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر به نظر افراد نمونه، بین آموزش از طریق ایجاد کارگاه‌های آموزشی مبانی کارآفرینی حوزه صنایع دستی و گردشگری زیر نظر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه دوم پژوهش:** بین آموزش از طریق تمرکز بر سرمایه‌گذاری در آموزش صنایع دستی در مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی رابطه معناداری وجود دارد.

در ابتدا به آمار توصیفی مربوط به نظرات پاسخ‌دهندگان در مورد این فرضیه می‌پردازیم. آمار توصیفی مربوط به آموزش از طریق تمرکز بر سرمایه‌گذاری در آموزش صنایع دستی در مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- آمار توصیفی مربوط به فرضیه دوم

عنوان مقاله: نقش آموزش در توسعه کارآفرینی صنایع دستی ایران

میانگین خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه
۰/۰۳۸	۰/۶۱۹	۴/۳۱۸	آموزش از طریق تمرکز بر سرمایه‌گذاری در آموزش صنایع‌دستی در مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری

مقدار میانگین نظرات مربوط به آموزش از طریق تمرکز بر سرمایه‌گذاری در آموزش صنایع‌دستی در مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری و توسعه کارآفرینی در صنایع‌دستی برابر با ۴/۳۱۸ است که بیانگر این مطلب است که میانگین نظرات افراد نمونه در پاسخ به آموزش از طریق تمرکز بر سرمایه‌گذاری در آموزش صنایع‌دستی در مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری از مقدار قراردادی ۳ (حد متوسط) بیشتر است.

جدول ۵- نتایج آزمون  $t$  تک نمونه‌ای برای فرضیه دوم

مقدار آزمون = ۳				
اختلاف میانگین	معنی‌داری	درجه آزادی	آماره $t$	
۱/۳۱۸	۰/۰۰۰	۲۴۹	۳۴/۹۶۷	فرضیه دوم

با توجه به جدول ۵، "معنی‌داری =  $0/000 > 0/05$ " است و همچنین اختلاف میانگین‌ها (۱/۳۱۸) عددی مثبت است، بنابراین فرضیه دوم پژوهش پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر به نظر افراد نمونه، نبود آموزش از طریق تمرکز بر سرمایه‌گذاری در آموزش صنایع‌دستی در مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری و توسعه کارآفرینی در صنایع‌دستی رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه سوم پژوهش:** بین آموزش از طریق تربیت مربی کارآفرینی در حوزه صنایع‌دستی به‌منظور آموزش شیوه‌های نوین و توسعه کارآفرینی در صنایع‌دستی رابطه معناداری وجود دارد.

در ابتدا به آمار توصیفی مربوط به نظرات پاسخ‌دهندگان در مورد این فرضیه می‌پردازیم. آمار توصیفی مربوط به آموزش از طریق تربیت مربی کارآفرینی در حوزه صنایع‌دستی به‌منظور آموزش شیوه‌های نوین در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶- آمار توصیفی مربوط به فرضیه سوم

**عنوان مقاله: نقش آموزش در توسعه کارآفرینی صنایع دستی ایران**

مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد
آموزش از طریق تربیت مربی کارآفرینی در حوزه صنایع دستی به منظور آموزش شیوه‌های نوین	۳/۹۳۹	۰/۶۰۷	۰/۰۳۸

مقدار میانگین نظرات مربوط به آموزش از طریق تربیت مربی کارآفرینی در حوزه صنایع دستی به منظور آموزش شیوه‌های نوین برابر با ۳/۹۳۹ است که بیانگر این مطلب است که میانگین نظرات افراد نمونه در پاسخ به تأثیر آموزش از طریق تربیت مربی کارآفرینی در حوزه صنایع دستی به منظور آموزش شیوه‌های نوین در توسعه کارآفرینی در صنایع دستی بالاتر از مقدار قراردادی ۳ (حد متوسط) است.

جدول ۷- نتایج آزمون  $t$  تک نمونه‌ای برای فرضیه سوم

مقدار آزمون = ۳				
اختلاف میانگین	معنی‌داری	درجه آزادی	آماره $t$	
۰/۹۳۹	۰/۰۰۰	۲۴۹	۲۴/۷۲۷	فرضیه سوم

با توجه به جدول ۷، "معنی‌داری =  $۰/۰۰۰ > ۰/۰۵$ " است و همچنین اختلاف میانگین‌ها (۰/۹۳۹) عددی مثبت است، بنابراین فرضیه سوم پژوهش پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر به نظر افراد نمونه، بین آموزش از طریق تربیت مربی کارآفرینی در حوزه صنایع دستی به منظور آموزش شیوه‌های نوین در توسعه کارآفرینی صنایع دستی رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه چهارم پژوهش:** بین آموزش از طریق تبیین رشته‌های هنری مرتبط با کارآفرینی صنایع دستی در مقاطع مختلف تحصیلی و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی رابطه معناداری وجود دارد.

در ابتدا به آمار توصیفی مربوط به نظرات پاسخ‌دهندگان در مورد این فرضیه می‌پردازیم. آمار توصیفی مربوط به میزان اثرگذاری آموزش از طریق تبیین رشته‌های هنری مرتبط با کارآفرینی صنایع دستی در مقاطع مختلف تحصیلی در جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸- آمار توصیفی مربوط به فرضیه چهارم

**عنوان مقاله: نقش آموزش در توسعه کارآفرینی منابع دستی ایران**

میانگین خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه
۰/۰۴۷	۰/۷۱۵	۳/۸۵۲	آموزش از طریق تبیین رشته‌های هنری مرتبط با کارآفرینی صنایع دستی در مقاطع مختلف تحصیلی

مقدار میانگین نظرات مربوط به نقش آموزش از طریق تبیین رشته‌های هنری مرتبط با کارآفرینی صنایع دستی در مقاطع مختلف تحصیلی در توسعه کارآفرینی در صنایع دستی برابر با ۳/۸۵۲ است که بیانگر این مطلب است که میانگین نظرات افراد نمونه در پاسخ به آموزش از طریق تبیین رشته‌های هنری مرتبط با کارآفرینی صنایع دستی در مقاطع مختلف تحصیلی در توسعه کارآفرینی در صنایع دستی بالاتر از حد متوسط است.

جدول ۹- نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای فرضیه چهارم

مقدار آزمون = ۳				فرضیه چهارم
اختلاف میانگین	معنی‌داری	درجه آزادی	آماره t	
۰/۸۵۲	۰/۰۰۰	۲۴۹	۱۶/۷۹۳	

با توجه به جدول ۹، "معنی‌داری =  $0/000 > 0/05$ " است و همچنین اختلاف میانگین‌ها (۰/۸۵۲) عددی مثبت است، بنابراین فرضیه چهارم پژوهش پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر، به نظر افراد نمونه، بین آموزش از طریق تبیین رشته‌های هنری مرتبط با کارآفرینی صنایع دستی در مقاطع مختلف تحصیلی و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی رابطه معناداری وجود دارد.

به‌منظور اولویت‌بندی شیوه‌های آموزشی که در توسعه کارآفرینی در صنایع دستی نقشی اساسی دارند، از آزمون فریدمن استفاده شده است. جدول ۱۰ نتایج مربوط به معناداری انجام آزمون فریدمن را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰- معناداری آزمون فریدمن

تعداد مشاهده	۲۵۰
--------------	-----

عنوان مقاله: نقش آموزش در توسعه کارآفرینی صنایع دستی ایران

آماره کاتسکوئر	۱۷۷/۳۰۴
درجه آزادی	۳
معناداری	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۱۰، معناداری آزمون فریدمن تائید می‌شود. جدول ۱۱، نتایج حاصل از رتبه‌بندی شیوه‌های آموزشی که در توسعه کارآفرینی در صنایع دستی نقش دارند را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۱۳، به نظر افراد آموزش از طریق تمرکز بر سرمایه‌گذاری در آموزش صنایع دستی در مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری از نظر اهمیت در اولویت اول قرار گرفته است. پس از آن آموزش از طریق تربیت مربی کارآفرینی در حوزه صنایع دستی به منظور آموزش شیوه‌های نوین و آموزش از طریق تبیین رشته‌های هنری مرتبط با کارآفرینی صنایع دستی در مقاطع مختلف تحصیلی در اولویت‌های بعدی قرار گرفته و آموزش از طریق ایجاد کارگاه‌های آموزشی مبانی کارآفرینی حوزه صنایع دستی و گردشگری زیر نظر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نیز از درجه اهمیت پایین‌تری برخوردار است.

جدول ۱۱- رتبه‌بندی شیوه‌های آموزشی مؤثر در توسعه کارآفرینی در صنایع دستی نقشی

رتبه	میانگین رتبه	مؤلفه
۴	۱/۹۳	آموزش از طریق ایجاد کارگاه‌های آموزشی مبانی کارآفرینی حوزه صنایع دستی و گردشگری زیر نظر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری
۱	۳/۳۵	آموزش از طریق تمرکز بر سرمایه‌گذاری در آموزش صنایع دستی در مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری
۲	۲/۴۷	آموزش از طریق تربیت مربی کارآفرینی در حوزه صنایع دستی به منظور آموزش شیوه‌های نوین
۳	۲/۲۵	آموزش از طریق تبیین رشته‌های هنری مرتبط با کارآفرینی صنایع دستی در مقاطع مختلف تحصیلی

عنوان مقاله: نقش آموزش در توسعه کارآفرینی صنایع دستی ایران

## ۸- نتیجه گیری

صنایع دستی عامل بسیار مهمی در توسعه هنری تلقی می‌شود. به این نکته نیز باید توجه داشت که وقتی تولید صنایع دستی همراه با فعالیت‌هایی همچون کشاورزی، باغداری و غیره همراه شود می‌تواند نقش بسیار مهمی را در پیشرفت و اقتصاد جامعه ایفا کند. البته ناگفته نماند که این امر در صورتی امکان‌پذیر است که عامل آموزش هم به این عوامل افزوده شود. علاوه بر این، صنایع دستی نباید تنها به روستا معطوف شود و با شیوه‌های سنتی پیش رود، بلکه باید روش‌های نوین نیز به آن اضافه‌شده و جنبه‌های حرفه‌ای-هنری آن آموزش داده شود. یکی از راه‌های گسترش صنایع دستی در کشور، آموزش همگانی گرایش‌های مختلف آن است و باید بر اساس نیازسنجی به این بخش‌ها توجه ویژه شود. با ایجاد ظرفیت‌های آموزش عمومی و مجازی، صنایع دستی باید در دسترس عموم قرار گیرد و محدوده‌های هنری آن برجسته شود. استفاده از فضاها و ساختمان میراث فرهنگی در آموزش صنایع دستی امری شدنی است و با سیاست‌های سازمان میراث فرهنگی نیز هم‌راستا است. مهارت در صنایع دستی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ مدرک‌گرایی را باید از بین برد زیرا به‌طور عمومی به تولید منجر نمی‌شود. علاوه بر این موارد، استفاده از ظرفیت دستگاه‌های دیگر دولتی همانند سازمان‌های صنایع دستی، مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری نیز باید مورد مطالعه قرار گیرد تا به نحوی شایسته بتوان از ظرفیت دیگر سازمان‌ها در این حوزه بهره برد. ورود بخش خصوصی نیز در حوزه آموزش هنری صنایع دستی، ضروری است یعنی در صورتی که صنایع دستی رونق گیرد مخاطبان بسیاری را به سوی خود جلب خواهد کرد که این امر موجب حرفه‌ای شدن جنبه‌های هنری و خلاقیت می‌شود. روش‌هایی که ارائه شد، نقش بسیار ویژه‌ای در تقویت و بهبود جنبه‌های هنری صنایع دستی دارند. زمانی که جنبه‌های هنری صنایع دستی به نحوی حرفه‌ای در همایش‌ها، پژوهش‌شده‌ها، مقالات علمی، دبیرستان‌ها، دانشکده و دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و مشاوره‌ای و غیره مورد توجه قرار گیرند، هنر صنایع دستی و کارآفرینی و خلاقیت در آن به سمت و سوی نو و تازه‌ای هدایت‌شده و روندی عالی و ثمربخش خواهد داشت. عدم توجه به این روش‌های آموزشی سبب خواهد شد تا هنر صنایع دستی، معطوف به روش‌های سنتی شود و در نتیجه پیشرفتی در آن مشاهده نشود. در این میان، آموزش روش‌های کارآفرینی هنری در صنایع دستی از جایگاه و اهمیت والایی برخوردار است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین شیوه‌های مختلف آموزش و توسعه کارآفرینی در صنایع دستی، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. آموزش از طریق تمرکز بر سرمایه‌گذاری در آموزش صنایع دستی در مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری از نظر اهمیت با میانگین رتبه ۳/۳۵ در اولویت اول، آموزش از طریق تربیت مربی کارآفرینی به منظور آموزش شیوه‌های نوین با میانگین رتبه ۲/۴۷ در اولویت دوم، آموزش از طریق تبیین رشته‌های هنری مرتبط با کارآفرینی صنایع دستی در مقاطع مختلف تحصیلی با میانگین رتبه ۲/۲۵ در اولویت سوم، و آموزش از طریق ایجاد کارگاه‌های آموزشی مبانی کارآفرینی حوزه صنایع دستی و گردشگری زیر نظر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نیز با میانگین رتبه ۱/۹۳ در رتبه چهارم قرار گرفتند. بنابراین، نتایج حاکی از اهمیت تکیه بر شیوه‌های

نوین آموزش کارآفرینی از طریق مراکز رشد، پارک‌های صنعتی و فناوری به‌منظور توسعه کارآفرینی در صنایع دستی بود.

### منابع و مآخذ

- آقا محمدی، جواد و حسین عبدالهی (۱۳۹۴). تحلیل نقش آموزش در توسعه و ترویج کارآفرینی، فصلنامه رهیافت، شماره ۵۹، صص. ۷۵-۸۷.
- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۹۱). کارآفرینی، ج ۴، تهران: پردیس.
- عباس‌زاده، یاشار (۱۳۹۴). بررسی اثر آموزش کارآفرینی بر شکل‌گیری سرمایه انسانی و عملکردهای کارآفرینانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- عزیزی، بهارک و سید محمود حسینی (۱۳۸۵). نقش آموزش و توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی، نشریه جهاد، شماره ۲۷۴، صص. ۱۲۵-۱۴۰.
- توسلی، حجت و پژمان نوروزی (۱۳۹۰). نقش آموزش در توسعه کارآفرینی، کنفرانس ملی کارآفرینی، تعاون، جهاد اقتصادی، نابین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نایین.
- رنجریان، رسول (۱۳۹۳). نقش آموزش عالی در توسعه کارآفرینی، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۶۷، صص. ۶۰-۶۶.
- فیروزی، حسین و فاطمه سهرابی (۱۳۹۳). نقش آموزش در توسعه کارآفرینی جهت دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی، دومین همایش ملی مدیریت کسب و کار، همدان، مرکز توسعه پایدار علم و صنعت فرزین.
- مدد، محمد (۱۳۸۰). اطلس صنایع دستی ایران، تهران: سازمان نقشه‌برداری کشور.
- نورماه، فروهر (۱۳۹۲). نگرشی بر تحولات صنایع دستی در جهان، تهران: انتشارات سوره‌ی مهر.
- همتی، مرضیه (۱۳۹۳). اثرات اقتصادی توسعه گردشگری بر شکوفایی صنایع دستی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی گرایش برنامه‌ریزی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- یاوری، حسین (۱۳۹۰). آشنایی با هنرهای سنتی، تهران: انتشارات دانش جهانگردی.

Global Entrepreneurship Monitor (2010). *Executive report London Business School, Babson college Ewing Marion Kauffman foundation, www.gemconsortium-org.*

Kantor, P. (2001). *Promoting Women's Entrepreneurship Development Based on Good Practice Programs: some experiences from the north to the south* (No. 993457023402676). International Labour Organization.

Mueller, S. L. (2002). *A Cross – national Study of Gender Gaps in Potential for Entrepreneurship*, Department of management, Texas Christian University Denver, Colorado, August, B, pp. 1-30.

عنوان مقاله: نقش آموزش در توسعه کارآفرینی منابع دستی ایران

Seymour, N. (2001). Women entrepreneurs in the developing world, CLCEE Digest No. 01-04, Kansas City. *Center for Entrepreneurial Leadership, Clearinghouse on Entrepreneurship Education.*[Online] available: <http://www.celcee.edu/>(February 25, 2012).

## The role of training in the development of Iranian craftsmanship entrepreneurship

Javad Dahdahjani (M.A.), Dept. of Handicraft, Faculty of Art,  
University of Kurdistan, Iran

### Abstract

This research seeks to identify and explore the teaching methods and development of entrepreneurship in handicrafts. The methodology of this research is based on the descriptive-survey nature and is among applied research. In analyzing data, descriptive and inferential statistics have been used. The statistical society of this research is 250 experts of cultural heritage, arts and tourism organization. Primitive data were collected by distribution of questionnaires and analyzed by SPSS software. In order to test the hypotheses, the single sample t test was used and the Kolmogorov-Smirnov test was used to determine the normal or abnormal components of the research. Finally, Friedman test was used to prioritize the research components. The findings of the research showed that there is a significant relationship between different methods of teaching and developing entrepreneurship in handicrafts. Also, education through focusing on investment in handicrafts training in growth centers, industrial parks and technology was considered to be the first priority with a mean score of 3.35, and training by educating entrepreneurship trainer in order to teach new methods with a mean of 2.47 and training through explaining arts related to entrepreneurship of handicrafts in different educational levels with a mean score of 2.25 in the next priority, and Education through the creation of educational workshops on entrepreneurship in the field of handicrafts and tourism under the auspices of the Cultural Heritage and Tourism Organization was also less important with a mean score of 1.93. So, the results indicate the importance of relying on modern ways of entrepreneurship education through growth centers, industrial parks and technology in order to develop entrepreneurship in handicrafts.

### Research objectives

1. Identify methods for training and development of entrepreneurship in handicrafts.

2. Prioritization of methods for training and development of entrepreneurship in handicrafts using statistical methods.

### Research questions

1. What are the methods for training and development of entrepreneurship in handicrafts?
2. How to prioritize the methods for training and development of entrepreneurship in handicrafts?

Keywords: entrepreneur, entrepreneurship, Entrepreneurship training practices, handicrafts, SPSS software.